۵

۱۳/۷/۷

ظفرنامه تیموریه فارسی مکرر قبل شماره (۷۱) از نهایت خطی تألیف
شرف الدین علی یزدی متوفی سنه ۸۵۰ کما فی کشف الظنون ص ۱۰۴ و نسخه بزرگ و مجلد
و حاوی تمام مقالات اوست اول نسخه (حمد و سپاس بیقیاس که از فتحنامه داستان
فتحنامه وان من شیء الا یسبح بحمده) آخر آن که علی نسخه ختم میشود ناقص و جود
(یکی دو سطر از کمیل امل)





کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب ظفرنامه تیموری - فارسی
مصنف / مؤلف شرف الدین علی یزدی
خطی نستعلیق ۲۵ سطری
چاپی
سال طبع یا تحریر - عدد اوراق ۳۰۰
جزء کتب تاریخ شماره ۲۶۷
شماره عمومی ۴۲۵۳ شماره قبض
واقف میرزا رضا خان نائینی تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱
طول ۳۰،۶ عرض ۲۳ سانتیمتر قفسه ۹

تحریر قرن نهم است احتمالاً تعمیر جدید بر صفحه زده تر گردد



حمد و سپاس بیقیاس که از فتح باب ادایش فتح نامهٔ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ بتاریخ وسیجزی

الشاکرین مخصوص و معین کرده و مورخ خامهٔ مو دایش دیباچهٔ داستان وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا

يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ را خاتمهٔ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ مشروح و مبین سازد و تحف بارگاه کبریای

پادشاه پادشاهان زاینده جل شأنه و عظم سلطانه ملک جباری را که بصولجان اقتدار در میدان اختیار

گوی دوار را بر یک قرار بیقرار گردانیده که هموار میگردد و اصلا از خود نمی گردد و همیشه جنبد و

یک موی از جای نمی جنبد — سرگشته ایست گوی خویای اردایم — در عین بیقراری بر یک قرار دایم — و کمال

قدرت قاهره و حکمت باهره جنبش بر دوام آن گوی بی آرام را واسطهٔ نظام لیالی و ایام و سلسلهٔ

بی نصرام و انصرام شهور و اعوام ساخت و تمادی روزگار و تعاقب اعصار و ادوار پیوسته از آثار اسما

و صفات بزرگوارش تعالی و تقدس اطوار ظرایف و بدایع گوناگون بیرون از حیز چند و چون باهر گشته

فیکون از موطن خفا و مکون بطون بمجالی بروز و ظهور می آیند تا هم دای صواحبای دانشوران یتفکرون

فی خلق السموات والارض عرضه دارند — هر نقطه که در دایرهٔ قسمت اوست — بر حاشیه باید نعمت و نعت

و داستینه ذرهٔ اگر بشکافند — دریا دریا جهان جهان نعمت اوست — سید سپهر و رآفرینش علی الاطلاق شهسوار مضمار لعثت

لاتمم مکارم الاخلاق شایستهٔ خطاب یا ایها النبی و یا ایها الرسل حضرت اله ابوالقاسم محمد بن عبدالله

صلی الله علیه وسلم الاطهار و صحبه الاخیار و تلبیت الآثار و سلم تسلیما فانه کان فضل الله علیه عظیما

ذکر شمه از فضیلت ایشان اشارتی بمنشا علم تاریخ و تدوین آن — راز هم البی خود گوی که خوش بمنقبت

عشق با قامت خود باز که خوش لایقست — و لله در من قایل — بیا که باده لطف کرد کار رحبا نزا

تو میهمانی عالم درین سیاهٔ طفیلی — نهال قد بلندش چون در چمن لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ

جهاندار ابوالفتح فیروزبخت / که مهر و سپهرش سر و تاج و تخت
ولی کو هر نام فرخنده فال / نگنجد درین آنکه جوید مجال
ز وهیم سلطان شد کام مآل / که وی برشد افسرش ...
... عالم افروختیم / بسی دولت ...
... شرح حالی که ... / روان ... عالی کند
... طفیل ... / سلطانی از ...

بر مزار چه از نام دادشان / بوقت ثنا مانده ام بی زبان
چو وصفش ز اندیشه برتر بود / سخن هرچه گویم به بر خور بود
چنین آفتابی ز اوج سپهر / ستایم ... صبح ... منبر

چنین سپهر وی از جوبیاطفر / بنالید و ملکش بنالد ...
باین دانش و داد و آیین و فر / کمانم نغنید که باشد بشر
ندانند کار از که حق برگزید / ازو آید آثار قدرت پدید
گسسته نشد فیض جان آفرین / ولی نیست ...
وزین روشنم شد که قوم ... / کجا کرده اند ...
سپاس آن خدا را که از ... / کمالات ...

[illegible]

ضمیرش ز الهام تلقین سروش / زبان ترجمان پیام سروش
لبش در سخن چشمه نوش علم / خموشش به پیرایه عفو و حلم
کمر کهکشان سپهر مهی / کله برج خورشید فرماندهی
چنین مطلع آفتاب جلال / بری آفتابش ...
نظر عین لطف و لطفش عیان / حیاتی ز ...
قبایش حریم کمال جلال / سراپرده رحمت ...

[illegible]

کمالی کز و یافت تیغ و قلم / ز رپستم نیاید ز یاقوت هم
ز تیغش سخن چون بماند سلیم / که از فکرش اندیشه گردد دو نیم
دو دریا نشین از کف شاه راه / ز موج فتن ملک و دین را پناه
ز کلکش چو خواهم که رانم کلام / زبانم ...
باقبالش این توامان گزین / ...
یکی جان ستان و یکی دلنواز / ...

یکی گوشه ملک از وکشته صاف / یکی حوری وحی را حلقه باف
یکی دشمنان زالبیل اجل / یکی دوستان از الکفیل امل